

بررسی و تحلیل مفهوم درد ورنج  
در شعر معاصر ایران

# الفبای درد

مصطفی گرجی



# الفبای درد

بررسی و تحلیل مفهوم درد ورنج  
در شعر معاصر ایران

مصطفی گرجی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور





نشر خاموش

نام کتاب:	الفبای درد
نویسنده:	«بررسی و تحلیل مفهوم درد و رنج در شعر معاصر ایران»
طرح جلد:	مصطفی گرجی
ویرایش و صفحه‌آرایی:	مجید شمس‌الدین
چاپ و صحافی:	عفت نادری نژاد
چاپ / شمارگان:	چاپ دیجیتال نقطه اول ۱۳۹۸ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	شومیز ۱۱۰ هزار تومان / سخت ۱۲۵ هزار تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۸۵-۶

تمامی حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کتبی ناشری باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردبیه‌شت)، بن بست مبین، شماره ۴  
تلفن: ۶۶۴۶۰۰۹۹ / ۶۶۴۰۸۶۴۰

مرکز پخش: پخش چشمه: بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸  
تلفن: ۷۷۱۴۴۸۲۱ / ۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۷۷۷۸۸۵۰۲

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

تقدیم به فرزانه روزگار ما

که گفت:

نه دغدغه دین دارم،

نه دغدغه فرهنگ، نه تمدن و نه ...

من فقط دغدغه انسان را دارم.



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱.....	مقدمه
۲۱.....	فصل نخست: کلیات، مفاهیم و تعاریف
۲۳.....	پیشگفتار
۲۶.....	۱. نگاهی به گستره بحث و معرفت‌شناسی درد ورنج
۳۷.....	۲. شاکله اجمالی بحث
۳۸.....	۳. شاکله تفضیلی بحث
۳۸.....	ماهیت‌شناسی درد ورنج
۳۹.....	وجودشناسی درد ورنج
۴۲.....	غایت‌شناسی درد ورنج
۴۲.....	اخلاق (شان اخلاقی) یا وظیفه‌شناسی درد ورنج
۴۵.....	فصل دوم: بررسی و تحلیل مفهوم درد ورنج در شعر شاعران برجسته معاصر (مرد) با تأکید بر اشعار.....
۴۷.....	مقدمه
۴۹.....	معرفی شاعران مرد معاصر
۵۰.....	نیما یوشیج
۵۳.....	سهراب سپهری
۵۵.....	سلیمان هراتی
۵۷.....	مهدی اخوان ثالث
۵۹.....	احمد شاملو
۶۲.....	فریدون مشیری
۶۴.....	منوچهر آتشی
۶۸.....	قیصر امین پور
۷۰.....	محمد رضا شفیعی کدکنی
۷۵.....	بخش نخست: ماهیت‌شناسی درد ورنج (درذسرودگی)
۷۷.....	معناشناسی و ماهیت‌شناسی درد ورنج (درذسرودگی)
۱۱۳.....	بخش دوم: وجودشناسی درد ورنج (درذبودگی)
۱۱۵.....	وجودشناسی درد ورنج (درذبودگی)

۱. انواع درد ورنج (سوختن‌ها و ساختن‌ها) ..... ۱۳۲
۲. علل درد ورنج (خواستن‌ها و داشتن‌ها) ..... ۱۶۳
۳. موانع یا راه‌های رهایی از درد ورنج (دانستن‌ها و کشف یا جعل معنای زندگی) ..... ۲۷۹
- بخش سوم: غایت‌شناسی درد ورنج (درذشدگی) ..... ۳۰۳
- غایت‌شناسی درد ورنج (درذشدگی) ..... ۳۰۵
- بخش چهارم: وظیفه‌شناسی یا اخلاق (شأن اخلاقی) درد ورنج (درذرهیاftگی) ..... ۳۲۳
- وظیفه‌شناسی یا اخلاق درد ورنج (درذرهیاftگی) ..... ۳۲۵
- فصل سوم: بررسی و تحلیل مفهوم درد ورنج در شعر شاعران برجسته زن معاصر با تأکید بر اشعار ..... ۳۴۷
- مقدمه ..... ۳۴۹
- معرفی شاعران زن معاصر ..... ۳۵۱
- پروین اعتصامی ..... ۳۵۱
- فروغ فرخزاد ..... ۳۵۴
- سپیده کاشانی ..... ۳۵۷
- طاهره صفارزاده ..... ۳۵۹
- سیمین بهبهانی ..... ۳۶۲
- بخش نخست: ماهیت‌شناسی درد ورنج (درذسرودگی) ..... ۳۶۵
- معناشناسی و ماهیت‌شناسی درد ورنج (درذسرودگی) ..... ۳۶۷
- بخش دوم: وجودشناسی درد ورنج (درذبودگی) ..... ۳۸۵
- وجودشناسی درد ورنج (درذبودگی) ..... ۳۸۷
۱. انواع درد ورنج (سوختن‌ها و ساختن‌ها) ..... ۳۹۵
۲. علل درد ورنج (خواستن‌ها و داشتن‌ها) ..... ۴۱۷
۳. موانع یا راه‌های رهایی از درد ورنج (دانستن‌ها و کشف / جعل معنای زندگی) ..... ۴۶۵
- بخش سوم: غایت‌شناسی درد ورنج (درذشدگی) ..... ۴۷۳
- غایت‌شناسی درد ورنج (درذشدگی) ..... ۴۷۵
- بخش چهارم: وظیفه‌شناسی یا اخلاق (شأن اخلاقی) درد ورنج (درذرهیاftگی) ..... ۴۸۵
- وظیفه‌شناسی یا اخلاق درد ورنج (درذرهیاftگی) ..... ۴۸۷

فصل چهارم: نگاه پایانی به شعر معاصر بر مبنای معرفت‌شناسی درد ورنج ..... ۵۰۱  
حاصل سخن ..... ۵۰۳  
منابع و مآخذ و نمایه‌ها ..... *Error! Bookmark not defined.*

## فهرست جدول‌ها

جدول‌ها	صفحه
جدول ۱. تحلیل مقایسه‌ای معناشناسی / ماهیت‌شناسی درد ورنج در نسل اول .. ۵۵۵	
جدول ۲. تحلیل مقایسه‌ای معناشناسی / ماهیت‌شناسی درد ورنج در نسل دوم. ۵۵۷	
جدول ۳. تحلیل مقایسه‌ای معناشناسی / ماهیت‌شناسی درد ورنج در نسل سوم ۵۵۸	
جدول ۴. تحلیل مقایسه‌ای وجودشناسی درد ورنج در نسل اول ..... ۵۵۹	
جدول ۵. تحلیل مقایسه‌ای وجودشناسی درد ورنج در نسل دوم ..... ۵۶۵	
جدول ۶. تحلیل مقایسه‌ای وجودشناسی درد ورنج در نسل سوم ..... ۵۶۹	
جدول ۷. تحلیل مقایسه‌ای غایت‌شناسی درد ورنج در نسل اول ..... ۵۷۳	
جدول ۸. تحلیل مقایسه‌ای غایت‌شناسی درد ورنج در نسل دوم ..... ۵۷۴	
جدول ۹. تحلیل مقایسه‌ای غایت‌شناسی درد ورنج در نسل سوم ..... ۵۷۴	
جدول ۱۰. تحلیل مقایسه‌ای وظیفه‌شناسی / شأن اخلاقی درد ورنج در نسل اول ... ۵۷۵	
جدول ۱۱. تحلیل مقایسه‌ای وظیفه‌شناسی / شأن اخلاقی درد ورنج در نسل دوم .. ۵۷۷	
جدول ۱۲. تحلیل مقایسه‌ای وظیفه‌شناسی / شأن اخلاقی درد ورنج در نسل سوم. ۵۷۸	





«قوم و خویش من همه از قبیله

غمند / عشق خواهر من است، درد

هم براندم.»

(قیصر امین پور)

## مقدمه

ساحت عواطف، احساسات و هیجانات یکی از ساحت‌های پنج‌گانه وجودی انسان در حوزه نفسانی در کنار ساحت عقیدتی - معرفتی، ارادی (خواسته‌ها و نیازها)، گفتار و کردار است که در حوزه خلاقیت‌های هنری و ادبی مهم‌ترین ساحت نفسانی به‌شمار می‌آید. مقصود از هیجان و عاطفه در این بافت و زمینه، همان است که «ویلیام جیمز»<sup>۱</sup> (۱۸۴۲ - ۱۹۱۰م) بیان کرده است و آن اینکه اگر هر انسانی در پیرامون خود با شیء / سوژه مشخص روبه‌رو شود، احساسات و عواطف خاصی خواهد داشت. با این توصیف، شعر هر شاعری نیز بازتاب عاطفه / عواطف منحصر به فردی است که آن شاعر در رویارویی با آن موضوع خاص دارد.<sup>۲</sup> این رویارویی به معنای آن است که واکنش‌ها و واگویی‌های احساسی شاعران با واژه‌ها درباره یک موضوع واحد و مشترک نیز متفاوت است. ساده‌ترین آنکه نه هر دو شاعر به اجبار با چیز واحد و مشترکی مواجه خواهند بود و نه هر دو در رویارویی با چیز واحد نیز واکنش احساسی و عاطفی یکسانی خواهند داشت. برخورد و مواجهه شاعر با موضوعاتی که به تجربه او درآمده یا درمی‌آید (اعم از عناصر بیرونی او چون انسان، طبیعت و... یا عناصر مربوط به درون همچون مسئله درد و رنج، تنهایی و...) باید از منفذ و گذرگاه عواطف، احساسات و هیجانات او سرچشمه بگیرد؛ در این میان، نوع و کیفیت بیان آنان نیز با توجه به شرایط و

---

۱. William James، فیلسوف آمریکایی و بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم و در روان‌شناسی دین

شهره بوده است.

۲. مجیدی، مزامیر فرشتگان، ۱۳۹۱: ۱۱۸

عناصر مختلف همچون سنخ روانی، سن، جنسیت، احوالات روحانی، دارایی‌های فکری و آموخته‌ها و تجربیات درونی متفاوت خواهد بود.

نکته دیگر در این مقام اینکه ساحت عاطفی و هیجانی به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های نفسانی انسان با توجه به نظرگاه‌های فلاسفه و روان‌شناسان، به‌گونه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شود. یکی از بهترین طبقه‌بندی‌ها، نظر «رابرت رابرتس»<sup>۱</sup> (متولد ۱۹۴۲م) است؛ که مجموعه عواطف انسانی را به پانزده طیف مقوله‌بندی می‌کند و هر یک از این طیف‌ها به یک یا چند عاطفه تقسیم می‌شود؛ به طوری که شمار عواطف آدمی براساس این نگره، حدود شصت قسم خواهد بود. مجموعه این طبقه‌بندی پانزده‌گانه اصلی شامل عواطف ناظر به آینده بد، امور آزاردهنده، خطا، عیب و نقص، فقدان، ملالت، تضاد، رقابت، کمالات، امور ماورایی، خودتأییدگری، خوبی، چشمداشت، امور محبوب و سرگردانی است<sup>۲</sup>. همان‌گونه که گفته شد هر کدام از این عواطف اصلی نیز به چند عاطفه تفکیک می‌شود؛ به عنوان نمونه عواطف ناظر بر امور محبوب و معشوق شامل دل‌بستگی، صمیمیت، التزام، شور و شیدایی، عشق‌دهنده یا آگاه‌په، قدردانی، شفقت، همدلی، نیک‌خواهی، ترحم و شیفتگی است یا عواطف ناظر بر خوبی شامل شادی، آرامش، آسودگی و رضایت است و عواطف ناظر بر چشمداشت شامل امید و انتظار است. رابرتس نشان می‌دهد این دسته از عواطف شامل ترس، هول، وحشت، دهشت، هراس، اضطراب، خشم، غیظ، تنفر، برآشفتگی، تغییر، تک‌دُر خاطر، ناکامی، پشیمانی، احساس گناه، احساس شرم، احساس عذاب وجدان، احساس تحقیر، سوگ‌مندی، تأسف، سرخوردگی، افسردگی، کناره‌گیری، بی‌تفاوتی، ملال، اشمئزاز، حسد، بی‌زاری، غبطه، عجب، شگفتی، حیرت، رمیدگی و... در تغییر روحیه و ساحت‌های وجودی آدمی (باورها و اعتقادات، خواسته‌ها و نیازها، گفتار و کردار) نقشی

۱. Roberts Robert, صاحب کتاب «Emotion» یا «عواطف».

2. Roberts, The Emotions (An Essay in Aid of, Moral psychology), 2003: 193 - 297

بسیار حیاتی دارند<sup>۱</sup>.

یکی از عواطف، احساسات و هیجانات بسیار مهم در ساحت نفسانی آدمی در مجموعه تاریخ هنر و ادبیات، «درد ورنج» است که در این میان برخی از شاعران<sup>۲</sup> به نسبت دیگر صاحبان این تجربه، توجه بیشتری بدان نشان داده‌اند و در مواردی هم که دو شاعر توجه یکسانی بدان کرده‌اند، باز هم با توجه به ساحت‌های سنخ روانی، سن، جنسیت، احوالات روحانی و دیگر علل و عوامل بر سازنده شخصیت آدمی در نوع و کیفیت بیان این احساسات و عواطف، تفاوت و تمایز دارند که صدالبته، این تمایزها در چگونگی بیان افکار و اندیشه‌های هنری آنها تأثیری انکارناپذیر دارد.

با این توصیف، یکی از مفاهیم و واژه‌های چالش برانگیز و در عین حال پربسامد در قاموس فلاسفه و علمای ادیان و مذاهب و تاریخ هنر و ادبیات «درد ورنج» می‌باشد که حاصل تعارض باورها و تصوّرات، با واقعیت‌های موجود است. این حقیقت به تعبیر علمای حوزه دین یکی از هفت مفهوم و مسئله اصلی انسان در تاریخ بوده که از ازل تا به ابد - البته به صورت گونه‌های مختلف - مبتلایه بشر بوده است و خواهد بود. اگر به باور برخی از اندیشمندان موضوعات اصلی طی زندگی و حیات بشری خدا، انسان، جهان، زندگی پس از مرگ، سرنوشت نهایی و اعمال و اعتقادات باشد - که ذهن و ضمیر آدمی را به خود معطوف کرده است و بازتاب آن در عالم هنر خود مبین این ادعاست -؛ درد ورنج با تمام مفاهیم درونی و ارتباط آن با مفاهیم مشابه یکی از دغدغه‌های جدی انسان در هر زمان و مکان خواهد بود. با این استثنا که درد ورنج به نسبت دیگر موضوعات اصلی یادشده، ملموس‌ترین و مشهودترین موضوع برای هر انسان است؛ چراکه آن را با تمام وجودش لمس، درک و شهود می‌کند.

1. Ibid: 120

۲. اگر در اینجا، واژه «شاعران» بیشتر به کار برده شده، به این دلیل است که کتاب حاضر، تعدادی از شعر شاعران را با توجه به عنوان بررسی و تحلیل کرده است.

نگاه فراگیر به مجموعه اندیشه متفکران و نخبگان فرهنگی به ویژه اندیشمندانی که در علوم اجتماعی و انسانی صاحب نظر هستند؛ نشان می دهد که هیچ متفکر انسان پژوهی نبوده و نیست که به نوعی به مسئله درد و رنج در گفتار و نوشتار خود اشاره نکرده باشد؛ به گونه ای که این واژه، مضاف الیه بسیاری از علوم و دانش ها نظیر جامعه شناسی درد، روان شناسی درد، زیباشناسی درد، اخلاق درد و... قرار گرفته است و این امر خود مبین اهمیت و جایگاه این مفهوم در دستگاه فکری علمای جامعه شناسی، روان شناسی و... است؛ مانند کتاب «روان شناسی رنج» (۱۳۹۶) اثر «آرتور جانوف (آنو)»<sup>۱</sup> (متولد ۱۹۲۴ م). در زمینه روان شناسی و نگاه روان کاوانه به موضوع درد و رنج و در بستر «روان شناسی کمال»<sup>۲</sup> و نیز در بررسی الگوی شخصیت سالم نظریات متعددی از جمله نظریه های مزلو، فروم، یونگ<sup>۳</sup>، آلپورت<sup>۴</sup>، پرلز، راجرز، فرانکل<sup>۵</sup> و... که درباره مسئله درد و رنج به صورت

#### 1. Arthur Janov

۲. در این روان شناسی سعی بر این است که نشان دهد آدمی چه می تواند باشد و چه می تواند بکند تا به معنای ژرف تر زندگی دست یابد (رک: شولتس، روان شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)، ۱۳۸۶).
۳. از دید یونگ عامل همه رنج ها فقدان ارتباط با بنیادهای ناهشیار شخصیت است و علت اصلی این ارتباط ازدست رفته، اعتقاد بیش از پیش به عقل و علم به عنوان راهنمای زندگی است. این روان نژندی همگانی عصر ما پیامد مستقیم فقدان ارتباط معنوی با گذشته است. از دید او آدیان هشت تیب هستند (همان: ۱۲۱-۱۴۹).
۴. آلپورت برخلاف فروید که در بررسی شخصیت انسان به گذشته و تجربیات گذشته کودکی توجه دارد؛ به حال و آینده نظر دارد (همان: ۱۶). به نظر آلپورت تنها راه دوام آوردن زندگی داشتن وظیفه ای است برای انجام دادن و از دید او سلامت روان پیش نگر است نه پس نگر.
۵. در نگاه فرانکل، در هر موقعیتی حتی در وقت درد و رنج هم می توان معنایی یافت. او می گوید: زنده بودن یعنی رنج کشیدن؛ اما برای رنج خویش معنایی یافتن یعنی ادامه هستی. طبق نظریه او (لوگوترابی) سه چیز اهمیت دارد: آزادی اراده، اراده معطوف به معنا و معنای زندگی؛ بنابراین، از دید او نبودن معنا در زندگی برابر با روان نژندی است و راه حل رهایی از این روان نژندی اینکه هر یک از ما باید بشخصه به زندگی خود معنا دهیم و برای معنا بخشیدن به زندگی سه راه (آنچه به جهان عرضه می کنیم؛ تجربه ای که از جهان می گیریم و در نهایت طرز رفتاری که در برابر درد و رنج برمی گزینیم) پیشنهاد داد (همان: ۱۵۰-۱۷۲). به عقیده فرانکل، در ناپیمودنی ترین راه ها و در نومیدکننده ترین و یأس آورترین وضعیت ها می توان عظیم ترین معنا را یافت.

مستقل سخن گفته‌اند؛ وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این نظریه‌ها، دیدگاه «فریتس پرلز»<sup>۱</sup> (۱۸۹۳-۱۹۷۰م) است<sup>۲</sup> که بیشترین تأمل او درباره الگوی شخصیت سالم در حوزه درد ورنج (اینجایی و اکنونی نبودن) می‌باشد. او بر این باور بود که انسان باید در حال زندگی کند؛ به این معنا که فکر به گذشته او را از زندگی در زمان حال باز ندارد. در نگاه او جز «اکنون» واقعیت دیگری وجود ندارد.<sup>۳</sup>

با این توصیف، در میان مجموعه اندیشمندانی که به موضوع درد ورنج و متعلقات آن رویکرد عمیق و ویژه‌ای نشان داده‌اند؛ طیف هنرمندان، ادیبان و شاعران هستند که به دلایل ذوقی و نوع نگاه خاص به هستی و ارتباط بیشتر و ژرف‌تر با عنصر عاطفه و احساس بیشترین نکات عاطفی و احساسی را در رویارویی با این مفهوم ابراز داشته‌اند. به جرئت می‌توان گفت بعد از متون مقدّس و گفتار پیامبران که از حقیقت درد ورنج بشریت آگاهی داشته و تمام عمر خود را صرف تقلیل / زدودن مرارت‌های بشری کرده‌اند؛ طیف هنرمندان و شاعران در نوع و کیفیت تجربه، درک و نحوه بیان هنری این مهم دارای ارزش و ارج فراوانی هستند؛ به گونه‌ای که برخی از منتقدان ادبی، ادبیات را داروی خوش برای کاستن تمام آلام بشری معرفی کرده‌اند. با این نگاه می‌توان گفت یکی از دلایل ماندگاری و بقای یک اثر هنری نیز می‌تواند میزان بازتاب عمیق این نوع عاطفه اعم از درد ورنج اجتماعی، بشری، روحانی و... باشد. حتی می‌توان ادعا کرد که بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبی جهان نیز حاصل رویارویی شاعران ژرف‌بین با درد ورنج (خود، دیگران و...) است و به ضرس قاطع، هنرمندان و شاعرانی در تاریخ ماندگار مانده‌اند که به این مسئله انسانی توجه عمیق‌تر و دقیق‌تری نشان داده‌اند؛ البته به شرطی که نه تنها دردهای فردی و شخصی؛ که درد ورنج «ماهو» انسان<sup>۴</sup> را مدنظر قرار

1. Fritz Perls

۲. شولتس، روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)، ۱۳۸۶: مقدمه

۳. همان: ۱۷۳-۲۰۲

4. Human qua human

داده باشند. در ادبیات فارسی اندیشمندان و شخصیت‌های ژرف‌نگری همچون مولوی، حافظ، سعدی و... همواره درد و رنج انسان را فارغ از هر قیدی به تصویر کشیده‌اند و در ادبیات جهانی نیز هومر، شکسپیر، گوته، مولیر، ژید و... چنین‌اند؛ برای مثال «سیمون وی»<sup>۱</sup> (۱۹۰۹ - ۱۹۴۳ م) در کتاب «نامه به یک کشیش» که سی‌وپنج بند دارد، به روش‌های گوناگون، درد و رنج‌های انسان را به تصویر کشیده است؛ چراکه به معنای واقعی کلمه درد و پروای حقیقت دارد. از دید او هرکس بتواند به انسان رنج‌دیده، شفقت بی‌شائبه نشان دهد؛ به یقین واجد عشق به خدا و ایمان است<sup>۲</sup> و شاعران ژرف‌بین به جد، مهم‌ترین مصداق شفقت‌ورزی به همنوع هستند که به تنازع درونی انسان توجه بیشتری نشان داده‌اند. از آنجایی که این موضوع در هر دوره‌ای حقیقت و مصداق دارد؛ در ادبیات و شعر معاصر نیز به نسبت شعر کلاسیک فارسی به صورت ویژه و براساس مقتضیات انسان مدرن بازتابی از نوع خاص تر و بارزتر یافته است. برخی از این شاعران به دلیل تیپ، سنخ روانی و موقعیت و جایگاه فرهنگی - اجتماعی ویژه، تجربیات شخصی و فردی و... استعداد بیشتری برای طرح این مسئله داشته که در مواردی اشعاری ماندگار از خود به جای نهاده‌اند. شاعرانی همچون سپهری، اخوان، شاملو، نیما و فروغ و... در یک دوره تاریخی و شفיעی کدکنی، قیصرامین‌پور، حسن حسینی، سلمان هراتی و... در دوره تاریخی دیگر در این زمره‌اند که بررسی این مفهوم در اشعار این دسته از شاعران بررسی دقیق و عمیقی را می‌طلبید. البته اگرچه در این زمینه، پژوهش‌های انجام شده، با توجه به چارچوب نظری حاضر پژوهشی فراگیر و با رویکرد معرفت‌شناختی صورت

۱. شاید چشمگیرترین پیام سیمون وی (Simone Weil)، فیلسوف و عارف مسیحی فرانسوی به مخاطبان‌اش این بود که باید در طلب دو چیز باشند: یکی پاکی تمام عیار و دیگری موهبت محنت. به نظر او همه شرور، منشأ خیال‌پردازی و رؤیای‌پروری است؛ چون آدمی را از رنج و درد جهان غافل می‌دارد. اهل نجات کسی است که اول به همنوع عشق ورزد و دوم، کل نظام عالم حتی درد و رنج را بپذیرد (وی، نامه به یک کشیش، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

نگرفته است.

کتاب حاضر در سطوح ماهیت‌شناسی درد و رنج (ایضاح مفهوم و تشخیص مصداق درد و رنج)، وجودشناسی (انواع، علل و موانع ایجاد درد و رنج)، غایت‌شناسی درد (غایت‌های ماوراءالطبیعی و روحانی، غایت‌های روان‌شناختی، هدف‌ها، فایده‌ها و نتایج) و اخلاق یا وظیفه‌شناسی درد و رنج (راه‌های رهایی از درد و رنج خود و دیگران و راه دفع و رفع تعارضات ۱ و ۲؛ و اخلاق دوری از درد و رنج)؛ به بررسی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران معاصر فارسی در سده اخیر پرداخته است. از آنجایی که انتخاب همه شاعرانی که به نوعی به موضوع درد و رنج پرداخته‌اند، دشوار است؛ شاعرانی همچون نیما یوشیج، سهراب سپهری، سلمان هراتی، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فریدون مشیری، منوچهر آتشی، قیصر امین‌پور، محمدرضا شفیعی کدکنی، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، سپیده کاشانی، طاهره صفارزاده و سیمین بهبهانی به دلایل شهرت و اهمیت و تأثیرگذاری بیشتر و نیز ماندگاری اشعار آنها در دوره‌های بعد، گزینش شده‌اند؛ مهم‌تر از آن اینکه آثار برخی از این شاعران با توجه به موضوع کتاب حاضر به صورت مقاله، تأیید و در مجلات و نشریه‌های معتبر چاپ شده است<sup>۱</sup>. گفتنی است برای اینکه

۱. شماره‌های ۱ و ۲ تعارضات به این معناست که رفع درد و رنج «دیگری» مستلزم درد و رنج «من» باشد و برعکس. به عبارت دیگر، اگر بین کاستن درد و رنج خود یا دیگری مختار باشم، از نظر وظیفه‌شناختی کدام ترجیح دارد.

۲. برخی از مقاله‌های چاپ‌شده در نشریات و طرح انجام‌شده که کتاب حاضر از آنها استفاده کرده است؛ عبارت‌اند از: الف) بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار قیصر امین‌پور «درد‌های پنهانی»، مصطفی گرجی. (۱۳۸۷). فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، ش ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۰. ب) طرح پژوهشی بررسی و تحلیل مفهوم درد و رنج در شعر شاعران با تأکید بر اشعار نیما، سهراب، اخوان، شاملو، فروغ، سیمین، مشیری، شفیعی و قیصر. (۱۳۹۲). دانشگاه پیام‌نور استان مازندران. ج) تحلیل مفهوم درد و رنج در نگاه شاعران زن معاصر با تأکید بر اشعار سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد. مصطفی گرجی، کوپا و کهندانی. (۱۳۸۹). فصلنامه نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس، سال سوم، ش ۹، بهار، صص ۱۴۱-۱۶۲. د) مفهوم درد و رنج در اشعار غادة السمان و فروغ فرخزاد. عفت نادری نژاد و مصطفی گرجی. (۱۳۹۲). مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، استان کرمان. ش ۲۶، تابستان، صص ۱۶۱-۱۸۹.



مباحث به صورت مقاله‌های مستقل (چاپ شده در مجلات) درباره یک شاعر خاص نباشد و در ضمن بتوان به راحتی اشعار آنها را با یکدیگر مقایسه کرد، اشعار براساس عنوان‌های مشخص درد و رنج نه براساس اسامی شاعران و به صورت یک مقاله کامل مرتب شده‌اند. برای مثال زیر عنوان ماهیت درد و رنج (در فصل دوم)، شعر همه شاعران مرد (و در فصل سوم)، شعر همه شاعران زن در این حوزه بررسی شده است. با توجه به این دو نکته در گام نخست، اشعار شاعران در ساحت‌های چهارگانه درد و رنج در بخش‌هایی مستقل بررسی و تحلیل؛ سپس، مقایسه تطبیقی شده است.

نگاه اجمالی به مباحث کلی کتاب نشان می‌دهد که فصل نخست به کلیات و مفاهیم و تعاریف درد و رنج پرداخته است. این فصل، به دو بخش چیستی و ماهیت درد و رنج و معرفت‌شناسی آن در ادبیات معاصر تقسیم و فصل دوم که درباره بررسی و تحلیل درد و رنج در شعر شاعران مرد است، به چهار بخش ماهیت‌شناسی، وجودشناسی، غایت‌شناسی و اخلاق / وظیفه‌شناسی درد و رنج طبقه‌بندی شده است. مباحث و عناوین فصل سوم همانند فصل پیشین قرار گرفته است؛ با این تفاوت که نگره و نگاه شاعران زن، مبنای بررسی و تحلیل بوده است. فصل پایانی نیز دستاوردها و نتیجه بررسی‌ها به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی، تحلیل شده است.

از آنجایی که نوع نگاه و نگرش زنان و مردان درباره هر مسئله‌ای، به ویژه مسائل مربوط به ساحت نفسانی و درونی، متفاوت است و بیشتر زنان، جزئی‌نگر هستند و در برابر مردان از احساسات، عواطف و هیجانات بیشتر و عمیق‌تری برخوردارند و باورها و اعتقادات آنان نیز در مواردی متفاوت است؛ بهتر دیدیم شعر آنان را از مردان جدا و در فصل دیگری بازنمایی و اشعار آنان را با هم جنس خویش مقایسه و تحلیل کنیم؛ مگر در فصل آخر که دیدگاه همه شاعران جدای از جنسیت با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این موضوع و پیش‌ذهنیت، دلیل اصلی تفکیک مردان شاعر از زنان شاعر است که به عنوان پیش‌فرض بدان ملتزم بودیم.

در پایان این جستار، لازم است از همه کسانی که به صورت‌های گوناگون در این مهم همراه و هم‌رأی این پژوهش بوده‌اند، تشکر کنم. پیش از همه، از استاد فرزانه جناب آقای مصطفی ملکیان سپاسگزاری می‌کنم که با خواندن یکی از بخش‌های کتاب (که پیش‌تر در قالب مقاله چاپ شده بود) توصیه‌های لازم را ارائه کردند. ضمن اینکه چارچوب نظری کتاب هم، بر مبنای دیدگاه ایشان شکل گرفته است که از این بابت نیز قدردان ایشان هستم؛ اگرچه ادعا ندارم به همه جوانب و نکات مطمح نظر ایشان در مقام تفضیل، عمل کرده باشم. همچنین از دانشجویانی سپاسگزارم که در مقطع تحصیلات تکمیلی همراه و همیار من در طی این مسیر بوده‌اند. از دوستان نیک و شفیق نیز تشکر می‌کنم؛ به ویژه دکتر عیسی امن‌خانی و دکتر سید علی قاسم‌زاده که متن را پس از انجام پژوهش، خواندند و با نگاه منتقدانه، مؤلف را در پیراستن و منقح‌تر شدن کاریاری رساندند. لازم است از همکار دلسوز و مهربان خانم عفت نادری نژاد سپاسمند باشم که از آغاز تا پایان کار همراه و مشاور من بودند و در مقام نگارش مقاله‌ای نیز در این باره و همچنین تدوین و تنظیم و پیرایش عناوین و متن مقالات استفاده شده در این کتاب بر اساس عملکرد حاضر، همت گماشته‌اند.

به جا و لازم است از مدیر محترم نشر خاموش، جناب آقای دکتر مجید شمس‌الدین که مرا در به‌انجام رسانیدن این اثر همراهی کردند، سپاسگزاری کنم.

اگر حسن و فایده‌ای در این نوشته دیده می‌شود، مرهون زحمات همه عزیزانی است که از آنها یاد کرده‌ام و اگر کوتاهی و نقصانی به چشم آمد، مسئولیت آن را می‌پذیرم و منتظر راهنمایی‌های همه خوانندگانی هستم که وقت گرانبهای خویش را صرف این مختصر خواهند کرد.

از سخن گفتن مجوید ارتفاع      منتظر را به زگفتن استماع

روشن و مبرهن است پرداختن به جریان / تیره / مفهوم درد و رنج در شعر معاصر ایران می‌توانست و می‌تواند از زوایای دیگری هم نگریسته شود و باب پژوهش در این زمینه باز خواهد بود. این کتاب، تنها یک شیوه از شیوه‌های نگریستن به موضوع و مسئله درد و رنج است و بلافاصله بعد از خواندن، آن را می‌توان رها کرد. به قول آندره ژید در کتاب «مآلده‌های زمینی»:

«ای ناتانائل! کتاب مرا به دور افکن و بدان این تنها یک شیوه از شیوه‌های ممکن زندگی کردن و نگریستن است.»

مصطفی گرجی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

بخارست، رومانی ۱۳۹۷

# فصل نخست

## کلیات، مفاهیم و تعاریف

«از من سؤال درباره ماورا، الطبیعه  
نکنید؛ چون من نمی‌دانم و عمرم را هم  
صرف آنها نمی‌کنم. من فقط می‌دانم  
که اینجا چگونه می‌شود با درد و رنج  
کمتری زیست.»

(بودای حکیم)



«همیشه فاصله‌ای است.../»

این ترنم موزون حزن تا به ابد/

شنیده خواهد شد.»

(سهراب سپهری)

### پیشگفتار

یکی از عناصر بنیادین هستی و وجوه ممیز انسان از سایر موجودات «درد و رنج» همراه با درک و معرفت است که از این منظر، پیامد تعارض خواسته‌ها و شرایط مطلوب با واقعیت‌های موجود و دور شدن از وضع مطلوب تلقی می‌شود. مقصود از این دو کلیدواژه در این بستر و با تأکید بر «انواع، دلایل و عوامل درد و رنج و راه‌های رهایی از آن» و با تمرکز بر روش معناشناسی مجموعه تعبیرها و اصطلاحات و مضامینی است که در یک گُنش دَورانی، حول محور این دو واژه شکل گرفته‌اند و آگاهی از آن یکی از وجوه تمایز انسان از سایر مخلوقات است. نگاه معناشناسانه در این زمینه به این معناست که در حدّ امکان روابط درونی اجزای یک متن بررسی شود و خود متن بدون دخالت دانسته‌ها، باورها، انتظارات و پیش‌داوری‌های خواننده در فهم، فی‌نفسه سخن گوید؛ به عنوان نمونه اگر علل درد و رنج، راه‌های رهایی از آن و نتایج درد و رنج در کنار هم ترار گیرد با حجم انبوهی از تعبیرها و واژگان که کشف و بازخوانی همه آن موارد براساس گفتمان حاکم بر متن، مبین چالش فراوان ذهنی غالب بر یک فرد، دوره و... در همان متن خواهد بود؛ مواجه خواهیم بود. پیش از ورود به موضوع درد و رنج در مجموعه آثار هرمتفکر، باید دقت کرد محورهای یادشده در حوزه روان‌شناختی و فلسفی درد و رنج نیز مطرح است و توجه به آن به تبیین و ایضاح مفهوم و مصادیق درد و رنج کمک خواهد کرد.

نخستین نکته در این حوزه، بررسی و تحلیل ماهیت درد و رنج است که تبیین و ایضاح درست آن می‌تواند مبین سایر نکات در این زمینه باشد. دوم،

علت / علل درد ورنج است که خود زیرمجموعه بحث وجودشناسی درد و رنج است. از میان مجموعه نکات ذیل بحث وجودشناسی درد ورنج و حتی مجموعه بحث‌های مفهوم‌شناسی آن، نکته اخیر یعنی علل و عوامل آن پیچیده‌ترین مباحث در این زمینه است. سوم، آثار و نتایج مثبت و منفی درد ورنج است که خود بخشی از مسئله غایت‌شناسی درد ورنج است و چهارم اینکه انسان در رویارویی با پدیده درد ورنج در زندگی خود (در گام نخست) و در زندگی دیگران (در گام بعد) چه نوع رویکرد اخلاقی باید اتخاذ کند که در این جستار، به اخلاق یا وظیفه‌شناسی درد ورنج تعبیر می‌شود. در اینجا، پرسش اصلی مقدر این است که باتوجه به زمینه‌های تبارشناسی مفهوم درد ورنج در ادبیات معاصر هریک از شاعران منتخب درباره کدام یک از مؤلفه‌ها بیشتر داد سخن داده و در کجاها سکوت کرده‌اند و دلایل پردازش هر کدام از این حوزه‌ها با توجه به ساحت‌های باورها و اعتقادات، احساسات و عواطف و هیجانات، خواسته‌ها و نیازهای هریک از شاعران چه بوده است؟

پیش از ورود به هریک از این مفاهیم، یادکرد چند نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن، معرفت درد ورنج با نگاه به گستره معنایی آن در ساحت‌های وجودی، روانی، اخلاقی و اجتماعی است. رویکرد به مقوله رنج و درد در شعر معاصر بنا برینش یاد شده، مسئله‌ای است که در تحقیقات ادبی معاصر کمتر بر آن تأمل شده است. این موضوع وقتی تأمل برانگیزتر می‌شود که در جریان‌شناسی و نقد ادبی در کنار سبک‌شناسی شعر معاصر درک و دریافت گفتمان و اندیشه‌های غالب بر یک دوره امری گریزناپذیر به نظر می‌رسد؛ ضمن اینکه بر اساس سنخ روانی و مجموعه احساسات و عواطف شاعر و نیز دوره‌های ادبی مفهوم درد ورنج نیز یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های احساسات و عواطف آدمی به شمار می‌آید. اگر در بررسی محتوایی شعر معاصر فارسی بتوان این پیشفرض / فرضیه را پذیرفت که درون‌مایه شعر هر شاعری باتوجه به سبک و اندیشه هرانسان متفاوت است و این تفاوت در

اندیشه‌های شاعران در حوزه تجربیات فردی بارزتر است؛ باید گفت موضوع درد ورنج با تمام ابعاد معرفتی آن یعنی هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی درد ورنج و وجودشناسی آن (انواع، علل<sup>۱</sup> و نتایج آن) در نگاه هر شاعری نمود متفاوتی یافته و می‌یابد. این مهم، هم از نظر تصویرسازی، نوع ایماژها و صور خیال (استعاره‌ها و...) و هم از دیدگاه محتوایی با شعر شاعران دیگر متفاوت است. با این نگاه، در پژوهش حاضر ضمن اشاره به ماهیت و نتایج<sup>۲</sup> درد ورنج به صورت گسترده به مقایسه جنبه‌های وجودشناسی آن نیز در مجموعه اشعار شاعران یادشده می‌پردازیم. گفتنی است تمرکز اصلی بحث، بر ماهیت و اهداف و نتایج درد ورنج نیست؛ بلکه بررسی آن در محورهای وجودشناختی در حوزه‌های انواع درد ورنج (یعنی دردهای گریزن‌پذیر و گریزن‌ناپذیر)، دلیل / دلایل براساس عنصر زمان و معرفتی، نگاه انسان پیشین و امروزی و نیز راه‌های رهایی از آن در مجموعه اشعار شاعران معاصر است. این نکته، یکی از موضوعات پربسامد در ادبیات معاصر و شعر درگیری‌های ذهنی شاعر با مقوله‌های ذهنی و عاطفی بوده است که یکی از مهم‌ترین آنها، مبحث درد ورنج انسان با همه ویژگی‌های آن است. این موضوع در عصر جدید به دلایل متعدد اجتماعی، سیاسی و جهان‌بینی‌ها و نگره‌های خاص شدت بیشتری یافته است؛ به گونه‌ای که می‌تواند به عنوان یک اصل مشترک در مجموعه ادبیات معاصر بررسی و تحلیل شود.

باتوجه به بررسی‌هایی که در مجموعه اشعار این دسته از شاعران انجام شده و همچنین با عنایت به مفهوم درد ورنج و بار معنایی گسترده آن،

۱. در بحث علل و عوامل درد ورنج باید گفت بیشینه درد ورنج مردم در نتیجه برآورده نشدن آرزوهایشان است؛ آرزوهایی که به قدر کافی درصد کسب آن با برنامه‌ریزی‌های لازم نبوده است (فورد، نیمه تاریخ وجود، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

۲. گفتنی است باتوجه به نتیجه / نتایج درد ورنج تمامی رویدادهای منفی زندگی گشایشی دربردارند. برخی از ما با این توهم زندگی می‌کنیم که در پس رویدادهای شتر هیچ خیری وجود ندارد؛ درحالی‌که هر درد ورنجی هدفی دربردارد. دشواری‌های زندگی می‌توانند بینشی به ما بدهند تا خود را از گذشته‌ای که شور و شوقمان را خفه کرده و ما را از کانون معنوی دور نگه داشته است؛ رها سازیم (همان، ۱۴۱).



به جرئت می‌توان گفت شاعران بزرگ این دوره (معاصر) در زندگی فردی، هنری و اجتماعی خود به صورت عمیق‌تر و بنیادی‌تر درگیر این مفهوم و واقعیت بودند و هستند. مراد از رنج و درد نیز مجموعه‌ای از تعبیر، اصطلاحات، مضامین و مصادیقی است که مفهوم این دو واژه را به‌گونه‌های مختلف دربرگرفته است؛ برای نمونه اگر ماهیت درد و رنج را در یک سو و علل و عوامل آن را در سوی دیگر و راه‌های رهایی از آن را در سوی سوم و نتایج و غایت آن را در سوی چهارم و شأن اخلاقی درد را در سوی دیگر قرار دهیم، با حجم انبوهی از تعبیر و واژگان در مجموعه آثار این شاعران روبه‌رو خواهیم شد که کشف و بازخوانی همه آنها درگیری‌های ذهنی شاعران را روشن می‌کند.

مهم‌ترین پرسش این پژوهش این است که هر کدام از این شاعران براساس شرایط و اوضاع متفاوت فرهنگی و اجتماعی و نیز مسئله سنخ روانی و گرایش‌های عاطفی و احساسی به کدام یک از مضامین و محورهای چهارگانه ماهیت‌شناسی درد و رنج، وجودشناسی، اخلاق / وظیفه‌شناسی و درنهایت به غایت‌شناسی درد و رنج توجه بیشتری نشان داده‌اند؟ پرسش مهم دیگر این است که دلایل و عوامل گرایش به بیان این مسائل به‌ویژه وجودشناسی درد و رنج در دستگاه فکری هر شاعر چه بوده است؟

### ۱. نگاهی به گستره بحث و معرفت‌شناسی درد و رنج

در بحث مفهوم درد و رنج باید میان موضوعات و مباحث گوناگون آن تمییز و تمایز قائل شد. موضوعاتی همچون تعریف درد و رنج، انواع آن، رابطه ایمان و رنج، رابطه و نسبت تقدیم و تأخر تقریر حقیقت و تقلیل مرارت، رابطه درد و دلایل ادامه زندگی، شک و ورزی و رنج ناشی از شک و ورزیدن<sup>۱</sup>، ربط و نسبت درد و رنج و سنخ روانی انسان براساس الگوها و مدل‌های تیپ‌شناسی (مایرز بریگز، پیرسون در روان‌شناسی) و... از این قرارند؛ ضمن اینکه در خوانش

متونی که به نوعی به مسئله درد ورنج توجه کرده‌اند باید به چهار ساحت ماهیت‌شناسی، وجودشناسی، غایت‌شناسی، اخلاق یا وظیفه‌شناسی درد ورنج به صورت مستقل نیز توجه کرد. در این بخش و به منظور تبیین بیشتر این دو واژه - مفهوم (درد ورنج) و نیز دریچه‌ای برای ورود به اصل بحث (بررسی معرفت‌شناسانه درد ورنج در اشعار شاعران معاصر)، به برخی از مهم‌ترین مباحث کلیدی کتاب حاضر می‌پردازیم.

الف) در ماهیت‌شناسی و در تعریف و تحدید مفهوم درد<sup>۱</sup> ورنج<sup>۲</sup> باید گفت هرگاه انسان احساس کند که از وضع مطلوبش دور افتاده یا فاصله گرفته است؛ آرایش از او سلب و دچار درد ورنج می‌شود. وضعیت نامطلوب انسان، چه در ساحت جسم و چه در ساحت روان و نفس، این احساس خاص را در او پدید می‌آورد که از آن به رنج و در مواردی نیز به درد و گاهی به صورت توأمان درد ورنج تعبیر می‌شود. البته در بیان تفاوت این دو مفهوم باید گفت یکی از افتراقات درد ورنج این است که مفهوم رنج بیشتر بار معنایی معرفتی- انسانی دارد و در زمینه و بستر روحانی و معنوی شکل می‌گیرد در حالی که درد، بیشتر در حوزه و زمینه‌های جسمانی متصور است؛ به عبارت دیگر، درد ورنج را جان و روان ما درک می‌کند اما درد ورساطت بدن هست و دررنج ورساطت بدن نیست.<sup>۳</sup> در مواردی نیز به تسامح واژه درد در کنار واژه رنج به یک معنا به کار می‌رود و بار معنایی یکسانی دارد. بررسی و تحلیل این مسئله در اشعار و متون ادبی وقتی مهم و مفید خواهد بود که به کمک دانش معناشناسی به مثابه یک روش مجموعه مفاهیم و تعبیر مشابه این دو- که به نوعی اقرار معنایی این واژه‌ها هستند- توأمان بررسی و تحلیل شود. این مطلب در مبحث ماهیت‌شناسی درد ورنج در اشعار شاعران محل بحث خواهد بود.

1. Suffer

2. Pain

۳. ملکیان، زمین از دریچه آسمان، ۱۳۹۷: ۵۹-۶۲

ب) در موضوع وجودشناسی درد و رنج در اشعار و متون ادبی، برخی از نکات و مبانی همچون انواع و اقسام آن، علت / علل و حتی موانع رفع درد و رنج محل بحث است. درباره انواع آن در این مبحث باید گفت درد و رنج از يك منظر به دوگونه و شکل عمومی و فردی تجلی می‌یابد: نخست، درد و رنج‌هایی که نوع بشر از حیث بشربودن (غنی / فقیر، دیندار / بی‌دین، فرهیخته / عامی، سفیدپوست / سیاه‌پوست و...) با آن روبه‌روست و اختصاص به شخص خاصی ندارد (مانند رنج حاصل از تنهایی یا فقدان عدالت). دوم، درد و رنج‌های خاص هر انسان (درد و رنج‌های شخصی) که فقط و فقط با تجربه‌های فردی می‌توان آن را لمس و درک کرد (مانند درد جسمانی و فیزیکی). البته از حیث دیگر، درد و رنج به انواع دیگری همچون گریزپذیر و گریزناپذیر و زوال‌پذیر و زوال‌ناپذیر نیز طبقه‌بندی می‌شود؛ مانند رنج‌هایی (به مثابه یکی از وجوه تراژیک زندگی) که تا انسان، انسان است و تا جهان بوده و هست؛ وجود دارد. دسته دیگر، رنج‌هایی هستند که با تدبیر و کشف راه‌های دفع / رفع آن، درمان‌شدنی و قابل پیشگیری هستند؛ البته این نوع درد و رنج، با تأکید بر زمان و مکان متغیر و نسبی است و چه بسا امکان دارد درد و رنجی که در گذشته در زمره دردهای گریزناپذیر بوده، امروزه با ارتقای فهم و معرفت بشر در زمره دردهای گریزپذیر قرار بگیرد<sup>۱</sup>.

نکته دیگر در این مقام (انواع و اقسام درد و رنج) این است که کمیت و کیفیت درد و رنج به نسبت ناظر و تماشاچی بودن فرد و نیز عامل و بازیگر بودن او در نوسان است. هر قدر فرد به مقام آگاهی و هوشیاری بیشتری برسد و در مقام ناظر بودن به خود، خویشتن را واکاوی کند و بنگرد، درد و رنج او نیز افزون‌تر می‌شود. اما کسی که در مقام عامل و بازیگری (غفلت حاصل از

۱. «تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج‌ناپذیر، مهم‌ترین توشه سفر زندگی است. ما همواره سعی می‌کنیم خود را از آلم برهانیم اما تمام مساعی ما جز به یک نتیجه منجر نمی‌شود و آن اینکه دردهای خود را تغییر دهیم» (شونپنهاور، جهان و تأملات فیلسوف، ۱۳۸۶: مقدمه).

هوشیاری) است، کمتر به این نوع از درد گرفتار می‌شود؛ به عبارت دیگر فردی که به مقام ناظر بودن (تماشاگری و نگریستن از بالا به خود) می‌رسد، آرامش و قرار از او رخت برمی‌بندد. حال اگر این آگاهی و نگاه از بالا نباشد - در مقام عامل و بازیگری - آرامش وجود خواهد داشت؛ از این رو، انسان تا وقتی از خود فاصله نگیرد و از بیرون به خود ننگرد و به نظاره ننشیند، چه بسا عمری را در آرامش و سکون زندگی کند یا بدون هیچ اضطراب و درد و رنج و دلهره و نگرانی زندگی خویش را سپری کند و با همین آرامش حاصل از بی‌خبری و ناآگاهی نیز از دنیا برود. در ضمن، همین که انسان از خود فاصله بگیرد و از عامل بودن و بازیگری به مقام ناظر بودن و تماشاگری برسد، به همان نسبت ذهن او درگیرتر و نهاد او ناآرام‌تر و شوریده‌تر می‌شود.

نگاهی به مجموعه اشعار شاعرانی همچون حافظ، مولوی، فردوسی و... از یک سو و اخوان، شاملو، قیصر و... از سوی دیگر از حیث نهاد مضطرب و شوریده و درد و رنج‌هایی مترتب بر آن گویای این نکته باریک است که خود حاصل رسیدن به مقام نظارگی و تماشاگری است. طبقه‌بندی‌های دیگری نیز از انواع درد و رنج وجود دارد که با رویکرد به گستردگی مسئله در جای خود بدان خواهیم پرداخت. در بیان علل و عوامل درد و رنج در این مبحث (وجودشناسی درد و رنج) مسئله ربط و نسبت درد و رنج با سنخ روانی انسان نیز مطرح است. توضیح این امر در این مقام ضروری است که تجربه زیسته هر انسان (شاعر، فیلسوف، فرزانه، قدیس و...) و کیفیت ادراک او از هستی (درباره مسائلی همچون خدا، مرگ، زندگی پس از مرگ، تنهایی، درد و رنج و...) با توجه به عناصری همچون سن، جنس، معلومات و داشته‌های پیشین و... در نوسان خواهد بود. یکی از این متغیرها موضوع سنخ روانی و نفسانی انسان است. مجموعه سنخ روانی و تیپولوژی انسان (شاعران و...) بر اساس نگاه «یونگ»<sup>۱</sup> (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱م) و شاگردان او نظیر «کاترین بریگر» و «ایزابل

مایرز<sup>۱</sup> شانزده تیپ متفاوت است که با عنوان «شاخص تیپ مایرز-بریگز» شناخته می‌شود و هرکدام از این تیپ‌ها و سنخ روانی، ویژگی و محاسن طبیعی و معایب بالقوه خاص خود را دارند<sup>۲</sup>؛ با این ویژگی‌ها، هر شاعر با تأکید بر اینکه در کدام تیپ و سنخ روانی قرار گرفته باشد در نوع و کیفیت بیان مسئله درد و رنج با دیگری متفاوت خواهد بود<sup>۳</sup>.

نوع دیگر طبقه‌بندی سنخ روانی با رویکرد به مفهوم درد و رنج نیز سنخ‌شناسی بر مبنای آیین هندوان است که افراد به پنج قسم «خدمت‌کنندگان»، «ریاضت‌کشان»، «عشق‌ورزان»، «حقیقت‌جویان یا اهل معرفت» و «انقلابیون» طبقه‌بندی می‌شوند و البته بسته به اینکه شخص

#### 1. Myers & Briggs

۲. تیگر، هنر شناخت مردم، ۱۳۸۸: ۱۴

۳. توضیح اینکه در این شاخص، تیپ شخصیتی افراد از چهار بُعد تشکیل شده است. افراد بر اساس اینکه «از کجا انرژی می‌گیرند»، به دو گروه برون‌گرا و درون‌گرا؛ و از اینکه «به طور طبیعی به چه نوع اطلاعاتی توجه می‌کنند و آن را به خاطر می‌سپارند»، به دو گروه حسی و شهودی؛ و اینکه «چگونه تصمیم می‌گیرند»، به دو گروه متفکر و احساسی؛ و از نظر اینکه «دوست دارند دنیای خود را چگونه سازماندهی کنند»، به دو گروه قضاوت‌گر و دریافت‌گر طبقه‌بندی می‌شوند؛ بنابراین، در نگاه تیپولوژی یونگی و «شاخص تیپ مایرز-بریگز»، انسان با توجه به ترکیب چهار بُعد و به لحاظ سنخ روانی، شانزده قسم خواهد بود:

درون‌گرای حسی متفکر قضاوت‌گر	برون‌گرای حسی متفکر قضاوت‌گر
درون‌گرای حسی متفکر دریافت‌گر	برون‌گرای حسی متفکر دریافت‌گر
درون‌گرای حسی احساسی قضاوت‌گر	برون‌گرای حسی احساسی قضاوت‌گر
درون‌گرای حسی احساسی دریافت‌گر	برون‌گرای حسی احساسی دریافت‌گر
درون‌گرای شهودی متفکر قضاوت‌گر	برون‌گرای شهودی متفکر قضاوت‌گر
درون‌گرای شهودی متفکر دریافت‌گر	برون‌گرای شهودی متفکر دریافت‌گر
درون‌گرای شهودی احساسی قضاوت‌گر	برون‌گرای شهودی احساسی قضاوت‌گر
درون‌گرای شهودی احساسی دریافت‌گر	برون‌گرای شهودی احساسی دریافت‌گر

نگاهی به مجموعه اشعار شاعران با توجه به اهمیت و کمیت و کیفیت عنصر درد و رنج، گویای این امر است که سنخ روانی گوینده متن در موقعیتی که در کدام تیپ باشد، در اقبال یا نداشتن اقبال به مفهوم درد و رنج، مؤثر است.

شاعر در کدام تیپ قرار دارد در نوع و کیفیت بیان درد ورنج متفاوت خواهد بود. مروری بر اقسام تیپ و سنخ روانی انسان در طبقه‌بندی اخیر نشان می‌دهد که شاعران و متفکرانی که در مقام بیان درد ورنج بوده‌اند؛ بیشتر در تیپ «حقیقت‌جویان» و «ریاضت‌کشان» و «عشق‌ورزان» قرار داشته‌اند که در فصل‌های بعد و در مقام بررسی و تحلیل اشعار شاعران معاصر به این رابطه خواهیم پرداخت. توضیح اینکه جویندگان حقیقت در هر شأن و حرفه در مقام بیان حقیقت (تقریر حقیقت) از رنج‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه در رنج بوده‌اند؛ از این رو، بیشتر از سایر تیپ‌ها از درد ورنج سخن گفته‌اند. همچنین بر مبنای طبقه‌بندی سنخ روانی و تیپولوژی انسان (شاعران و...) بر اساس شاخص تیپ مایرز-بریگز باید گفت دو گروه و سنخ روانی «درون‌گرای شهودی متفکر دریافت‌گر» و «درون‌گرای شهودی متفکر قضاوت‌گر» در برابر سایر سنخ‌های روانی و به دلیل سنخ روانی خاص بیشتر با درد ورنج همراهند و در مقام بیان این حالت درگیر عاطفه و احساس درد ورنج بیشتری هستند. درباره ربط و نسبت این تیپ‌ها و سنخ روانی با چگونگی بیان درد ورنج در شعر شاعران در جایگاه خود سخن خواهیم گفت.

از دیگر نکات مهم در بحث وجودشناسی درد ورنج، موانع ایجاد درد ورنج یا راه / راه‌های رهایی از درد ورنج در شعر شاعران است که با توجه به آن، چگونگی رابطه میان تقریر حقیقت و کاهش / افزایش درد ورنج (تقلیل / تکثیر مرارت) مطرح می‌شود. از نظر منطقی نیز ممکن است هر گزاره‌ای اعم از صادق یا کاذب موجب افزایش یا کاهش درد ورنج شود؛ از این رو، نمی‌توان به صرف اینکه گزاره‌ای موجب کاهش درد ورنج می‌شود صدق آن را نتیجه گرفت. نگاه اجمالی به متون ادبی و حکمی نشان می‌دهد که برخی از متون بر تقلیل مرارت تکیه بیشتری دارند و اساس گفتار و بن‌مایه اصلی آنها کاهش و زدودن درد ورنج انسان است و اگر در مقام گزینش تقریر حقیقت و تقلیل مرارت هم باشند فقره اخیر را مرجح می‌دانند. البته در این مقام، از یک نظر این

دسته از شاعران و فلاسفه مشابه پیامبران و رسولان الهی هستند که هدف اصلی خود را تقلیل درد و رنج بشر (کمال انسان و بردن به بهشت جاوید) قرار داده‌اند و از یک نظر از آنها متمایزند و آن اینکه تقریر حقیقت برای انبیا مهم و حیاتی بوده است؛ ولو این تبیین و تقریر حقیقت به درد و رنج بیشتر برای بشر بینجامد. بنابراین، بررسی متون ادبی از این منظر نیز درخور تأمل و تحلیل است که شاعر هنرمند در مقام انتخاب این دو وجه (تقریر حقیقت / تقلیل مرارت)، چگونه و به چه لونی عمل کرده است؛ برای نمونه شاعری چون گوته در مقام انتخاب این دو، تقلیل مرارت را بر تقریر حقیقت ترجیح داده است؛ یا اندیشمندی همچون کرکگور تقریر حقیقت را بر تقلیل مرارت ترجیح می‌داده<sup>۲</sup>؛ یا در ادبیات ما نیز متفکری همچون حافظ در مقام بیان و تبیین مسئله خاص گاهی یکی را بر دیگری ترجیح می‌داده است؛ یا فرزانه‌ای همچون مولوی بیان و فهم حقیقت و آگاهی بیشتر را موجب درد و رنج می‌دانسته و به همین دلیل به صورت ضمنی انسان جاهل را به دلیل بی‌خبری، عاری از درد و رنج می‌دیده و تقریر حقیقت را موجب درد و رنج می‌پنداشته است.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از نکات مهم در بحث معرفت‌شناسی درد و رنج و در ساحت وجودشناسی و نیز اخلاق / وظیفه‌شناسی درد و رنج، توجه به موضوع

۱. گوته در کتاب «سرگذشت ورتریا رنج‌های ورتری جوان»، بر آن بود که اگر دختر بچه‌ای خیال کند مردی او را می‌بوسد، او ریش درمی‌آورد و اگر او از این حالت، احساس شادی و شمعف کند، او را از عدم ارتباط میان این دو حالت آگاه نخواهد کرد تا در شادی حاصل، این تصوّر و خیال باقی بماند (گوته، رنج‌های ورتری جوان، ۱۳۸۶: ۲۱۴). در این فقره باید گفت آرامش و لویه قیمت جهالت و حماقت و «آرامش به هر قیمتی» عنوان کتابی از دیورا دی پور؛ ترجمه فرناز فرود، نشر آسمان خیال، ۱۳۹۰) ترجیح داده می‌شود.

۲. او در مشهورترین اثرش یعنی «ترس و لرزه» بر آن بود که تمام زندگی‌اش یک لطیفه تلخ است برای آگاهانیدن مردم (کرکگور، ترس و لرزه، ۱۳۸۵). در این فقره باید گفت، جهالت و حماقت مردود است؛ ولو تمام آرامش سلب شود.

۳. «استن این عالم ای جان غفلت است / هوشیاری این جهان را آفت است» // هرکه او آگاه تر پُردرد تر / هرکه او بیدار تر رخ زرد تر» (مولوی، مثنوی معنوی، ۱۳۸۶: ۶۲۹).

نسبی بودن آن براساس عوامل بسیار و گوناگون است؛ به این معناکه هر انسان در رویارویی و تقابل با درد و رنج بسته به نوع و کیفیت آن می‌تواند مواجهه خاص و رویکردی ویژه داشته باشد. در برابر برخی از انواع درد و رنج (مانند درد و رنج گریزناپذیر) باید شکیبایی و بردباری ورزد<sup>۱</sup> و در برابر برخی دیگر (مانند درد و رنج گریزناپذیر) باید تسلیم شود. این مسئله از جنبه دیگر نیز مهم است و آن اینکه صبر در برابر درد و رنج اخیر، باید بی‌شکوه باشد که مصادیق چنین مواجهه‌ای بارها در متون دینی و عرفانی دیده می‌شود. انسان عصر پیشین با همه اقتضانات دنیای کهن - برخلاف انسان دوره جدید - در رویارویی با چنین درد و رنجی به جای تغییر جهان بیرون و دست بردن در آن، سعی می‌کرد جهان درون را تغییر دهد؛ به عبارت دیگر، به جای آنکه جهان را به میل و مراد جان (خود) سروسامان دهد، خود را به وفق و مراد جهان سازگار می‌کرد و این، روی دیگر تسلیم پذیر بودن انسان در برابر دردهای گریزناپذیر و رضا به دادن‌ها و... است؛ همان چیزی که یکی از شاعران معاصر در تفاوت انسان پیشین (سوختن و ساختن با دنیا) و مدرن (سوختن و ساختن دنیا) تصویر می‌کند. نکته دیگر به موازات این بحث اینکه چه بسا چیزی برای یک فرد ناگوار؛ اما برای دیگری گوارا باشد و برعکس؛ چراکه گوارایی و ناگوارایی به سنخ روانی، تعلیم و تربیت، توانایی‌های ذهنی، سن، وراثت و... بستگی دارد و امری انفسی است<sup>۲</sup>. این مسئله در هر دو شق آن در شعر شاعران بازتاب یافته است که بدان خواهیم پرداخت.

ج) یکی دیگر از نکات مهم در بحث معرفت‌شناسی درد و رنج به ویژه ماهیت‌شناسی و ارتباط این مفهوم با مفاهیم دیگر پیوند و همسویی واژه درد و رنج با مسئله آگاهی است. رابطه و پیوند معرفت و آگاهی با درد و رنج در

۱. به قول لوسیوس سنکا (Lucius Annaeus Seneca)، فیلسوف رواقی، برتر از رنج است. رواقی به عنوان یک انسان، قادر به تحمل رنج است؛ اما لزومی ندارد اجازه دهد درد و رنج گنوه هستی او را تسخیر کند (تیلیش، شجاعت بودن، ۱۳۶۶: ۵۱).

۲. از این رو باید گفت: «فلان چیزی برای فلان کس، در فلان مکان، فلان زمان و فلان وضع و حال، ناگوار/ گوارا است».



دوره‌های مختلف و جهان‌بینی‌های گوناگون محل بحث و مناقشه فلاسفه و فرزنانگان و عالمان دینی و هنری بوده و در متون ادبی بارها به این پیوند اشاره شده است؛ به گونه‌ای که دانایی، سرچشمه رنج به‌شمار می‌آید و پناه به غفلت و کم‌آگاهی از بن‌مایه‌های ادبیات عرفانی است. ابیات مشهور مولوی در مثنوی، نمونه‌هایی از همین پیوند مفهوم رنج و معرفت است:

هرکه او آگاه‌تر پُردردتر      هرکه او بی‌دازتر رخ‌زردتر  
جان نباشد جز خبر در آزمون      هرکه را افزون خبر جانش فزون<sup>۱</sup>

یا

اُسْتَن این عالم ای جان غفلت است      هوشیاری این جهان را آفت است<sup>۲</sup>

نمونه دیگر از این ارتباط و پیوند در ادبیات ملل دیگر سخنی «گفته» در رمان «رنج‌های ورتر جوان» است. او از میان دو وظیفه‌ای که انسان روشن‌بین دارد و ضرورت اختیار یکی (۱. تقریر حقیقت؛ ۲. تقلیل مرارت)، دومی را اختیار می‌کند؛ چراکه بیان حقیقت و آگاهی بخشی از دید او افزایش‌دهنده درد و رنج انسان است<sup>۳</sup> و برعکس آن «خداوند بیش از همه وقتی خوشبختمان می‌کند که ما را به غفلت‌های خوشمان وامی‌گذارد»<sup>۴</sup>.

از چه خدای را سپاس می‌گزارم

از آنکه درد را از دانش جدا کرد

چه اگر بیمار هم چندان می‌دانست که پزشک

امید از دست می‌داد<sup>۵</sup>.

به هر میزانی که آگاهی انسان بیشتر شود دردهای او نیز افزون‌تر خواهد

۱. مولوی، مثنوی معنوی، ۱۳۸۶/۱: ۶۳۰-۶۲۹

۲. همان: ۲۰۶۶/۱

۳. گوته رنج‌های ورتر جوان، ۱۳۸۶: ۲۱۴

۴. همان: ۵۲

۵. همان: ۲۱۴

شد. این مسئله در شعر شاعران معاصر به ویژه آن دسته از شاعرانی که پروای حقیقت‌جویی و حقیقت‌گویی داشته‌اند؛ به تکرار آمده است که در فصل‌های بعد بدان خواهیم پرداخت.

د) یکی دیگر از نکات مهم در بحث تبیین مفهوم درد ورنج (ماهیت‌شناسی)، ربط و نسبت آن با مقوله شك و شکاکیت و تردیدهای هستی‌شناسانه است که در بحث ماهیت‌شناسی درد ورنج و نیز علل و عوامل آن (وجودشناسی) محل بحث است. این مسئله اگرچه به حدت و شدت فراوان در مکاتب فلسفی غرب، به ویژه مکتب اگزیستانسیالی (سارتر<sup>۱</sup>، راسل<sup>۲</sup>، شوپنهاور<sup>۳</sup>...) بارها تکرار شده است؛ در ادبیات فارسی معاصر به ویژه شعر معاصر نیز یافت می‌شود. نمونه بیان این نوع از درد ورنج دیدگاه‌های شاعرانی همچون احمد شاملو است. او در فرازی از اشعار پایانی خویش در مجموعه «حدیث بی‌قراری ماهان» این‌گونه خدا را مخاطب قرار می‌دهد:

«مرا اما انسان آفریده‌ای:

ذره بی‌شکوهی

گدای پشم و پشکِ جانوران،

---

1. Jean-Paul Charles Aymard Sartre

2. Bertrand-Russell

۳. برای نمونه، شوپنهاور (Arthur Schopenhauer) در فرازی از همین تردیدها، درباره درد ورنج انسان چنین گفته است: «چنین خدایی که برای تفریح و آزروری عمد این جهان فقر و درد ورنج را می‌آفریند و به عمل خود نیز می‌بالد و می‌گوید: همانا بسیار نیکو بود... (سفر پیدایش: ۱ و ۳۱) غیرقابل تحمل است». او در بخشی دیگر از همین نگاه هستی‌شناسانه، ایماژ جهان و هستی را جهنم می‌داند و زندگی را آونگی میان درد و ملال تصور می‌کند (شوپنهاور، هنر رنجاندن، ۱۳۹۷: ۶۵). نمونه دیگر از نوع ایرانی این تردیدها داستان «افسانه آفرینش» از صادق هدایت است که نمونه طنزآمیز نگاه شوپنهاوری است. او عالم را این‌گونه تصویر کرده که خدا (خالق اف) انسان‌ها (کشمکش‌های آدمی) را برای این آفریده تا در کنار جبرئیل (جبرئیل پاشا) به انسان‌ها بخندد. «می‌دانی اینها را آفریده تا بنشینند فرنی بخورد و تماشا کند و بخندد» (هدایت، افسانه آفرینش، ۱۳۴۶: ۳۰).

تا تورا به خواری تسبیح گوید  
 از وحشتِ قهرت بر خود بلرزد  
 بیگانه از خود چنگ در توزند  
 تا تو  
 کُل باشی  
 مرا انسان آفریده‌ای:

شرمسارِ هر لغزشِ ناگزیرِ تنِ اش  
 سرگردانِ عرصاتِ دوزخ و سرنگونِ چاه‌سارهای عَفِن:  
 یا خشنودِ گردن نهادن به غلامی تو  
 سرگردانِ باغی بی صفا با گُل‌های کاغذین.  
 فانی‌ام آفریده‌ای  
 پس هرگزت دوستی نخواهد بود که پیمان به آخربرد.  
 بر خود مبال که اشرفِ آفرینه‌گان توأم من:  
 با من  
 خدایی را  
 شکوهی مقدر نیست!'

درون مایه این نوع شعرها اگرچه بحث تردیدها و شکاکیت انسان معاصر و تنهایی و اعتراض‌های او است، بحث درد و رنج‌هایی است که گریزناپذیرند و انسان تا وقتی در مقام انسان‌گونه بودن و زیستن است، با آنها روبه‌رو خواهد بود.

ساختار و شاکله این کتاب با نگاه به مجموعه جستارها و گفتارهای یادشده؛ بررسی، تحلیل و نقد اشعار شاعران برتر معاصر فارسی خواهد بود. در این میان شاعران ابتدا به دو دسته مرد و زن طبقه‌بندی شده‌اند (دلیل این امر در مقدمه آمده است) و اشعار آنها در زیر هر دسته و طبقه، بر مبنای تاریخی (تقدّم تاریخ حیات و مرگ آنها) بررسی شده است.

مبنای نظری بحث هم توجه به معرفت‌شناسی درد ورنج در چهار ساحت ماهیت‌شناسی، وجودشناسی، غایت‌شناسی و وظیفه‌شناسی درد ورنج خواهد بود (این ساحت‌ها پیش‌تر معرفی و در ادامه به تفصیل بحث خواهد شد).

## ۲. شاکله اجمالی بحث

صورت و شاکله اجمالی چهار ساحت بالا به قرار زیر است:

- بخش اول: ماهیت‌شناسی درد ورنج

الف) ایضاح مفهومی درد ورنج

ب) تشخیص مصداق درد ورنج

- بخش دوم: وجودشناسی درد ورنج

الف) انواع درد ورنج

ب) علل ایجاد درد ورنج؛ این حصر، در هشت حصر استقرایی است نه

قیاسی؛ یعنی اینکه امکان اضافه کردن موارد دیگر وجود دارد.

ج) موانع ایجاد درد ورنج یا راه‌های دفع آن؛ موانع ایجاد درد ممکن است

روی دیگر سکه علل (وجه سلبی) باشد و ممکن است در این بحث نکته‌ای

وجود داشته باشد که در بحث علل مطرح نباشد.

- بخش سوم: غایت‌شناسی

الف) غایات ماوراء‌الطبیعی (روحانی)<sup>۱</sup>

ب) غایات روان‌شناختی

ج) هدف‌ها و نتایج

- بخش چهارم: وظیفه‌شناسی یا اخلاق (شان اخلاقی) درد ورنج

الف) راه / راه‌های رهایی از درد ورنج (خود)